

Investigating the Relationship between Components of Interpersonal Trust and Tendency towards Divorce: A Sociological Study in the Field of Family Order and Discipline

Received: 10, November, 2024

Accepted: 08, February, 2025

Article type: Research Article

PP: 27-52

DOI:

[10.22034/entezam.2025.1280235.2641](https://doi.org/10.22034/entezam.2025.1280235.2641)

Mousa Saadati

Assistant Professor, Department of Sociology, Faculty of Social Sciences, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran. Email: m.saadati@soc.ikiu.ac.ir

Abstract

Background and Objective: Today, one of the social issues in the family domain is the increasing tendency towards divorce, which has taken root in society and has been on the rise, affecting a large number of families. Accordingly, the present study aims to conduct a sociological study of the structural equation modeling of the relationship between the components of interpersonal trust and the tendency towards divorce among married women in Qazvin.

Method: The research method in this study is correlational and, in terms of purpose, it is applied. The statistical population includes all married women in Qazvin, totaling 355,448 individuals, of whom 400 were selected as the final sample size based on Cochran's formula and using stratified sampling proportional to size. To collect the necessary information a researcher-made questionnaire was employed. Also, Pearson's r correlation test, multiple regression analysis, and structural equation modeling were used to analyze the data. The software used to analyze all the data obtained through the questionnaire was SPSS and Smart PLS.

Findings: The results of the correlation test showed that there was a significant relationship between the variable of interpersonal trust and its components, including emotional trust, sexual trust, and economic trust, with the variable of tendency towards divorce among married women, and the relationship was inverse. Based on the results of multiple regression analysis, the variables in the model were able to explain 44% of the changes in the variable of tendency towards divorce. Also, the results of the structural equation model indicate that the variables of emotional trust, economic trust, and sexual trust have the greatest impact on the variable of tendency towards divorce, respectively, and these variables, based on the structural equation model, explain 45.3% of the changes in the dependent variable.

Results: Considering the theoretical and empirical findings of the research, couples are required to commit, recognize rights, have mutual respect, and sexual and emotional intimacy towards each other in order to create and maintain stable marital relationships, and the prerequisite and key to all of the above is, first and foremost, trust between couples. Therefore, strengthening this type of trust in the family environment is increasingly necessary to prevent social harms, especially the tendency towards divorce.

Keywords: Interpersonal trust, Emotional trust, Sexual trust, Economic trust, Tendency towards divorce, Family

Citation(APA): Saadati, Mousa (2024). Investigating the Relationship between Components of Interpersonal Trust and Tendency towards Divorce: A Sociological Study in the Field of Family Order and Discipline, *Journal of Social Order*, 16(3), 27-52.

Doi: [10.22034/entezam.2025.1280235.2641](https://doi.org/10.22034/entezam.2025.1280235.2641)

بررسی رابطه بین مولفه های اعتماد بین فردی و گرایش به طلاق؛ پژوهشی جامعه‌شناختی در حوزه نظم و انتظام خانواده

چکیده

زمینه و هدف: امروزه یکی از مسائل اجتماعی حوزه خانواده، مسئله گرایش به طلاق است که در جامعه ریشه دوانده و سیر صعودی داشته است و تعداد کثیری از خانواده ها را گریبان گیر خود ساخته است. بر این اساس، پژوهش حاضر نیز با هدف مطالعه جامعه شناختی مدل معادلات ساختاری رابطه مولفه های اعتماد بین فردی و گرایش به طلاق در بین زنان متأهل شهر قزوین انجام شده است.

روش: روش تحقیق در این پژوهش از نوع همبستگی بوده و به لحاظ هدف، از نوع کاربردی است. جامعه آماری شامل کلیه زنان متأهل شهر قزوین به تعداد ۳۵۵۴۴۸ نفر می باشد که از این تعداد ۴۰۰ نفر به عنوان حجم نمونه نهایی براساس فرمول کوکران و به شیوه نمونه‌گیری طبقه‌ای متناسب با حجم، جهت گردآوری اطلاعات لازم به وسیله پرسشنامه محقق ساخته انتخاب شدند. همچنین برای تجزیه و تحلیل داده‌های حاصل از آزمون همبستگی r پی‌رسون و تحلیل رگرسیونی چندمتغیره و مدل معادلات ساختاری استفاده شده است. نرم افزار مورد استفاده جهت تجزیه و تحلیل کلیه اطلاعات بدست آمده از طریق پرسشنامه SPSS و Smart PLS بوده است.

یافته‌ها: نتایج حاصل از آزمون همبستگی نشان داد که بین متغیر اعتماد بین فردی و مولفه های آن شامل اعتماد عاطفی، اعتماد جنسی، اعتماد اقتصادی با متغیر گرایش به طلاق در بین زنان متأهل رابطه معناداری وجود داشته و نوع روابط نیز معکوس بوده است. براساس نتایج تحلیل رگرسیونی چندمتغیره، متغیرهای حاضر در مدل توانسته اند ۴۴ درصد از تغییرات متغیر گرایش به طلاق را تبیین نمایند. همچنین، نتایج مدل معادلات ساختاری حاکی از آن است که متغیرهای اعتماد عاطفی، اعتماد اقتصادی و اعتماد جنسی به ترتیب بیشترین تأثیر را بر متغیر گرایش به طلاق را داشته و این متغیرها براساس مدل معادلات ساختاری ۴۵/۳ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین نموده اند.

نتایج: باتوجه به یافته‌های نظری و تجربی پژوهش، زوجین جهت خلق و تداوم روابط زناشویی پایدار، ملزم به تعهد، به رسمیت شناختن حقوق، احترام متقابل و صمیمیت جنسی و عاطفی نسبت به یکدیگرند و پیش شرط و کلید تمامی موارد مذکور در درجه نخست اعتماد بین زوجین است، لذا تقویت این نوع اعتماد در محیط خانواده جهت پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی به‌ویژه تمایل طلاق بیش از پیش ضروری می نماید.

کلیدواژه‌ها: اعتماد بین فردی، اعتماد عاطفی، اعتماد جنسی، اعتماد اقتصادی، گرایش به طلاق، خانواده.

دریافت: ۱۴۰۳/۰۸/۲۰

پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۲۰

نوع مقاله: مقاله پژوهشی

صص: ۵۲-۲۷

شناسه دیجیتال (DOI):

[10.22034/entezam.2025.1280235.2641](https://doi.org/10.22034/entezam.2025.1280235.2641)

موسی ساداتی

استادیار گروه جامعه شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه بین المللی امام خمینی، قزوین، ایران. رایانامه:

m.saadati@soc.ikiu.ac.ir

استناد (APA): موسی (۱۴۰۳). بررسی رابطه بین مولفه های اعتماد بین فردی و گرایش به طلاق؛ پژوهشی جامعه‌شناختی در حوزه نظم و انتظام خانواده. نشریه علمی/انتظام اجتماعی، ۱۶ (۳)، ۲۷-۵۲.

شناسه دیجیتال: [10.22034/entezam.2025.1280235.2641](https://doi.org/10.22034/entezam.2025.1280235.2641)

تحولات اجتماعی دهه های گذشته در سطح جهانی، نظام خانواده را باتغییرات، چالش ها، مسائل و نیازهای جدید روبرو کرده است، به طوری که در همین مدت نظم و انتظام خانواده به شکل فزاینده به علل و عوامل متعدد و پیچیده ای در معرض خطر و تهدید قرار گرفته است. از طرفی، زنان در حفظ کانون خانواده نقش کلیدی دارند و مشکلات عاطفی آنان می تواند پیامدهای عدیده ای و جبران ناپذیری بر پیکره خانواده وارد آورد (طباطبایی نیا، کریمی افشار و کامیابی، ۱۴۰۲: ۱۲۷). یکی از پدیده های اجتماعی که آسیب ها و مسائل فراوانی را هم برای فرد و هم برای جامعه به همراه دارد، مسئله طلاق است که صدمات قابل توجهی به بنیان های اجتماعی و فرهنگی جامعه وارد می کند. طلاق یکی از مسائلی است که به رغم فراوانی بروز آن در جامعه، ابعاد مختلفی از زندگی انسان را حتی تا مدت ها تحت تأثیر قرار می دهد (باقری چیمه، ۱۴۰۱: ۳). فرایند طلاق به طور معمول از زمانی شروع می شود که یکی از زوجین یا هر دو، احساس بیگانگی نسبت به یکدیگر داشته باشند (سنفورد، جنسا، شاپیرو و متئو، ۲۰۱۶: ۲). طلاق به عنوان امری مذموم و غیرقابل پذیرش اثرات بسیار بدی بر افراد درگیر از جمله زن، شوهر، و فرزندان دارد (میرساردو و هاشمی، ۱۳۹۳: ۱۰۷). در واقع در اثر طلاق، کارکردهای خانواده از جمله کارکردهای اجتماعی، روانی، اقتصادی، آموزشی دچار اختلال می شود و بنیان خانواده دچار آسیب های عدیده ای می گردد (رضایی، ابراهیمی و رشنودی، ۱۴۰۲: ۱۲۷).

منحنی طلاق در ایران طی یک دهه گذشته روند رو به رشدی داشته است. آمارهای اداره ثبت احوال نشان می دهد یک دهه قبل، از هر سه ازدواج یک مورد به طلاق منتهی شده است، طی سال ۱۴۰۲ آمار طلاق، نصف آمار ازدواج بوده است. بدین معنا که در مقابل دو ازدواج، یک مورد طلاق به ثبت رسیده است. در سال مذکور، ۴۸۱ هزار و ۳۹۴ ازدواج شکل گرفت و ۲۰۲ هزار و ۱۸۳ زندگی نیز به طلاق منجر شد. بیشترین آمار نرخ خام طلاق مربوط به سه سال

اخیر بوده است. آمارهای طلاق نشان می‌دهد که در سال ۱۴۰۰، ۲۰۱ هزار و ۵۹ مورد طلاق به ثبت رسید که نسبت به سال ۹۹ بیش از ۹ درصد افزایش داشته است. در سال ۱۴۰۱، ۲۰۴ هزار و ۳۰۴ طلاق در کشور به ثبت رسید. از این میان، حدود ۱۲ هزار طلاق، عمر رابطه کمتر از یک سال، و بیش از ۵۳ هزار مورد هم عمر رابطه یک تا پنج ساله داشتند. گزارش مرکز رصد جمعیت کشور سازمان ثبت احوال نشان می‌دهد در سال ۱۴۰۲ تعداد ۲۰۲ هزار و ۱۸۳ طلاق در کشور ثبت شده است که نسبت به سال ۱۴۰۱ کاهش زیادی نداشته است (سایت اداره ثبت احوال ایران، ۱۴۰۲).

یکی از متغیرهای اساسی که رابطه تنگاتنگی می‌تواند با پدیده طلاق و گرایش به آن داشته باشد، مسئله اعتماد بین فردی (زوجین) است. اعتماد یکی از مهم‌ترین کیفیت‌ها در هر رابطه نزدیک و صمیمی است و اغلب در کنار تعهد و عشق به عنوان هسته مرکزی رابطه ایده آل در نظر گرفته می‌شود (باقری چیمه، ۱۴۰۱: ۴). اعتماد باور به این امر است که یک شریک قابل اعتماد است و قابل اعتماد خواهد ماند، اعتماد بخش بزرگی از هر رابطه به خصوص روابط عاشقانه را تشکیل می‌دهد. به باور رمپل و هولمز، اعتماد در روابط نزدیک، با تمایل فرد برای پاسخگویی به نیازهای شرکای خود و اعتماد شریک به آنها حاصل می‌گردد (جوشی، ۲۰۲۱: ۱۵۰۴). در واقع، اعتماد را نه با زبان بلکه بایستی با تغییرات خاص در منش و رفتار به دست آورد (اسپرینگ و اسپرینگ، ۲۰۲۲: ۱). در دنیای امروز که آمار طلاق روبه افزایش است بدون شک یکی از عوامل از هم پاشیدگی زندگی زوجین ضعف اعتماد در روابط و کنش‌های آنان می‌باشد. ممکن است افراد جامعه به دلیل فقدان اعتماد متقابل، تشکیل خانواده را به‌طور غیرضروری به تعویق بیندازند یا حتی به‌طور کلی از آن دست بکشند (ریجت و بوسکنز، ۲۰۰۶: ۱۲۴). در مجموع می‌توان بیان نمود که طلاق برای کنشگران اجتماعی (زن و مرد)، پیامدهای عدیده‌ای اجتماعی، اقتصادی و روانی به دنبال داشته و سبب ناپایداری خانواده می‌گردد

۱ Joshi

۲ Spring & Spring

۳ Rijt & Buskens

و سلامت فرد و جامعه را تهدید می نماید، چرا که داشتن جامعه سالم در گرو داشتن انسان های سالم است و جامعه چیزی جز افرادی که آن را ایجاد می کنند نیست. با توجه به توضیحات فوق، پژوهش حاضر درصدد پاسخگویی به این سوال اساسی انجام شده است؛ چه رابطه ای بین اعتماد بین فردی و گرایش به طلاق در بین زنان متأهل شهر قزوین وجود دارد؟

پیشینه پژوهش

- احمدی (۱۴۰۲)، پژوهشی تحت عنوان «رابطه مثبت اندیشی و اعتماد در روابط بین فردی با انسجام و کیفیت زندگی زوجین»، به شیوه همبستگی انجام داده است. نتایج پژوهش نشان داد بین مثبت اندیشی و اعتماد در روابط بین فردی با انسجام خانوادگی زوجین ارتباط معناداری وجود ندارد؛ اما بین مثبت اندیشی و اعتماد با کیفیت زندگی زوجین، بین مثبت اندیشی با انسجام خانوادگی و کیفیت زندگی زوجین و بین اعتماد در روابط بین فردی با انسجام خانوادگی و کیفیت زندگی زوجین ارتباط معناداری وجود دارد.

- نتایج پژوهش رضایی، ابراهیمی و رشنودی (۱۴۰۲)، با عنوان «تأثیر پیشگیری اجتماعی پلیس با رویکرد اسلامی - ایرانی بر پدیده طلاق»، نشان داد که چهار تکنیک مدیریت نیازها؛ توانمندسازی فردی و اجتماعی؛ تقویت مداخلات اجتماعی و فرهنگی و آگاهی بخشی و اصلاح باورهای دینی به-ترتیب بیشترین تأثیر را در پیشگیری از پدیده طلاق داشته است. در این میان، مدیریت نیازها بیشترین و آگاهی-بخشی و اصلاح باورهای دینی کمترین تأثیر را داشته است.

- نتایج پژوهش باقری چیمه (۱۴۰۱)، با عنوان «پیش بینی گرایش به طلاق بر اساس اعتماد، دلزدگی زناشویی و تحمل پریشانی در زنان مراجعه کننده به دادگاه طلاق»، نشان داد که با افزایش یک واحد در مؤلفه های اعتماد و تحمل پریشانی گرایش به طلاق زنان کاهش می یابد و با افزایش یک واحد در دلزدگی زناشویی، در گرایش

به طلاق افزایش دیده می‌شود. در نتیجه به طور کلی بین اعتماد، دلزدگی زناشویی و تحمل پریشانی با گرایش به طلاق ارتباط معناداری وجود دارد و توجه به این مولفه‌ها در روابط زوجی حائز اهمیت می‌باشد.

- نتایج پژوهش رضانی‌فر، کلدی و قدیمی (۱۴۰۰)، تحت عنوان «مطالعه تأثیر ابعاد سرمایه اجتماعی بر طلاق عاطفی در بین زنان متأهل شهرستان تنکابن»، به شیوه پیمایش و با ابزار پرسشنامه نشان داد که بین ابعاد مختلف سرمایه اجتماعی از جمله اعتماد با متغیر طلاق عاطفی در بین نمونه مورد مطالعه رابطه معناداری وجود داشته است.

- پژوهشی توسط نوری (۱۴۰۰)، با عنوان «مطالعه ی کیفی شناسایی پیشایندهای موثر بر طلاق در خانواده های نظامی»، انجام شده است. یافته های موجود در قالب ۳ مضمون اصلی پیشایندهای قبل از ازدواج، پیشایندهای حین ازدواج و پیشایندهای بعد از ازدواج مشخص شدند. پیشایندهای قبل از ازدواج به صورت نبود خصوصیات موثر درون فردی و عدم کفویت اولیه و پیشایندهای حین ازدواج به صورت مشکلات خانواده های اصلی و نبود شبکه های حمایتی و پیشایندهای بعد از ازدواج به صورت نبود ویژگیهای موثر درون زوجی و عدم پذیرش شرایط شغلی همسر طبقه بندی شدند. در مجموع، طلاق در خانواده های نظامی نتیجه نداشتن ویژگیهای موثر درون فردی و درون زوجی و مشکلات خانواده های مبدا زوجین بوده است.

- نتایج پژوهش شغلی (۱۴۰۰)، تحت عنوان «بررسی مقایسه ای طرحواره های ناسازگار اولیه، الگوهای ارتباطی و اعتماد در روابط بین فردی در زوجین متقاضی طلاق و زوجین عادی شهر تهران»، نشان داد میانگین نمرات طرحواره های ناسازگار اولیه در گروه زوجین متقاضی طلاق از گروه عادی بیشتر است. همچنین طبق نتایج در طرحواره ناسازگار اولیه بی اعتمادی بد رفتاری، انزوای اجتماعی بیگانگی، نقص/ شرم، شکست، وابستگی/ بی کفایتی، آسیب پذیری در برابر ضر و بیماری، گرفتار/ خویشتن تحول نیافته و اطاعت بین دو گروه تفاوت معناداری مشاهده

نگردید و همچنین میانگین نمرات اعتماد در روابط بین فردی در گروه زوجین عادی بیشتر از متقاضی طلاق است.

- ریاحی و خیاطان (۱۳۹۷)، تحقیقی با عنوان «رابطه بین نگرش به والدین، اعتماد در روابط بین فردی و نگرش به ارتباط قبل از ازدواج با رغبت به ازدواج»، انجام داده اند. نتایج نشان داد که رغبت به ازدواج با اعتماد در روابط بین فردی، نگرش به ارتباط قبل از ازدواج رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. و با نگرش به والدین رابطه منفی معنا داری وجود دارد به طور کلی نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد عامل ارتباط قبل ازدواج نگرش به والدین و اعتماد در روابط بین فردی به ترتیب قادر به تبیین تغییرات و پیش بینی رغبت به ازدواج بوده اند.

- کریمی، الماسی، محمدی و فاضلی (۱۳۹۵)، در تحقیقی با عنوان «مطالعه بسترهای طلاق در افراد مطلقه: پژوهش پدیدارشناسانه»، تعداد ۲۵ شرکت کننده را از افراد مطلقه شهر رشت، از طریق نمونه گیری هدفمند و با استراتژی نمونه گیری معیار، انتخاب نموده و مورد مطالعه قرار دادند. آنها جمع آوری داده ها را از طریق مصاحبه نیمه ساختار یافته انجام دادند. یافته های تحقیق در زمینه بسترهای طلاق، شامل ۹ زیر مضمون بوده اند که در ۴ مضمون کلان، میانی، خرد و تعاملی طبقه بندی شده است. براساس نتایج این تحقیق مشکلات مالی، ضعف مهارت های زناشویی، بی اعتمادی بین زوجین بستر گرایش به طلاق را فراهم می کند.

- نتایج پژوهش فریدونی (۱۳۹۵)، با عنوان «پیش بینی در روابط بین فردی بر اساس جو عاطفی و تزلزل احساسی در زوجین»، نشان داد که بین جو عاطفی با ابعاد اعتماد در روابط (اعتماد عاطفی محور و اعتماد شناخت محور) رابطه معکوس معنادار وجود دارد؛ بین ابعاد تزلزل احساس (اعتماد به نفس، نگرانی، وسواس و احساس گناه) فقط بعد نگرانی با اعتماد عاطفی محور رابطه معکوس معنادار دارد و بعد وسواس با اعتماد عاطفی محور و اعتماد شناخت محور رابطه معکوس معنادار

دارد؛ بین متغیر پیش بین (جو عاطفی) و متغیر ملاک (اعتماد عاطفی محور و اعتماد شناخت محور) رابطه خطی معنی دار در سطح یک درصد وجود دارد و بین متغیر پیش بین (وسواس) و متغیر ملاک (اعتماد شناخت محور) رابطه خطی معنی دار در سطح یک درصد وجود دارد.

- نتایج پژوهش میرعالی، میرهاشمی و میرعالی (۱۳۹۴)، با عنوان «بررسی رابطه بین اعتماد در روابط بار روابط نزدیک بین فردی زوجین»، حاکی از آن است که متغیر مستقل اعتماد متغیر وابسته روابط نزدیک بین فردی زوجین را تبیین می کند و اعتماد در تبیین روابط نزدیک بین فردی زوجین سهم ویژه ای دارد.

- صداقت و اسدیان (۱۳۹۳)، در پژوهشی تحت عنوان «تبیین جامعه شناختی عوامل اجتماعی موثر بر طلاق» که جامعه آماری آن را دو گروه از زنان طلاق گرفته و طلاق نگرفته شهرستان قائم شهر تشکیل می دهند، پرداختند. نتایج بدست آمده حاکی از آن است که متغیرهای تفاوت تحصیلی، برآورده نشدن انتظارات تفاوت عقاید، بی اعتمادی همسران از یکدیگر در دو گروه متفاوت است. و بیشترین متغیرتاثیرگذار دخالت دیگران بوده است.

- محمودی، میرفردی و مختاری (۱۳۹۳)، در تحقیقی با عنوان «بررسی عوامل اجتماعی موثر بر میزان گرایش به طلاق در شهر یاسوج» نشان دادند که بین متغیرهای میزان مراده باخویشاوندان، اعتماد بین زوجین، میزان رضایت عاطفی از همسر، میزان وفاداری همسر، و متغیر میزان گرایش به طلاق رابطه معکوس و معنی داری وجود دارد.

- یلماز، سولمان و لاجونن (۲۰۲۳)، در تحقیقی با عنوان «اعتماد در روابط: بررسی مقدماتی تأثیر طلاق والدین، تجارب جدایی، سبک دلبستگی بزرگسالان و باورهای رابطه نزدیک بر اعتماد زوجین» را مورد بررسی

قرار داده است. طبق نتایج، پاسخ‌دهندگانی که والدینشان طلاق گرفته‌اند یا شکست‌های رابطه‌ای را تجربه کرده‌اند، نسبت به آن‌هایی که این تجربه‌ها را نداشتند، نمرات اعتماد دوتایی پایین‌تری داشتند. نمرات اعتماد با سبک‌های دلبستگی اضطرابی و اجتنابی و با مقیاس‌های باور رابطه مثبت همبستگی داشت. در تحلیل رگرسیون، سبک‌های دلبستگی مضطرب و اجتنابی ۴۲ درصد و باورهای رابطه ۲۵ درصد از واریانس اعتماد را تبیین کردند.

- النخلیان، آل‌کالاف و الناصر^۱ (۲۰۲۳) در تحقیقی با عنوان «اعتماد بین همسران و اثر رسانه‌های اجتماعی»، به مطالعه پرداخته است. این مقاله به بررسی رابطه بین استفاده از پلتفرم‌های رسانه‌های اجتماعی و اعتماد در همسران می‌پردازد. پلتفرم‌های رسانه‌های اجتماعی بر اعتماد شوهر به همسرش تأثیر معناداری نداشته است.

- جوشی (۲۰۲۱)، تحقیقی با عنوان «اعتماد و فاصله فیزیکی بین زوج‌ها رضایت کلی» انجام داده است. وی مطالعه تطبیقی بین روابط عاشقانه از راه دور و روابط نزدیک انجام داد که نتایج نشان داد تماس حضوری و ارتباط از نزدیک عاملی برای افزایش اعتماد بوده است. نتایج نشان داد که بین سطوح اعتماد بین و رضایت از رابطه، ارتباط معناداری وجود دارد.

کُسنِتی‌نو^۲ (۲۰۱۲)، تحقیقی با عنوان «اهمیت اعتماد در روابط» انجام داده است. هدف از این پژوهش تعیین اهمیت اعتماد در روابط بود. نظر سنجی در دانشگاه ایلینوی شرقی بین افراد ۱۸ تا ۲۴ ساله پخش و تکمیل شد. نتایج نشان داد که اعتماد عامل کلیدی در برقراری و تداوم رابطه است، اما تقریباً ۵۰ درصد شرکت‌کنندگان خیانت را تجربه کرده بودند.

- ریجت و بوسکنز (۲۰۰۶)، تحقیقی با عنوان «اعتماد به روابط صمیمانه اهمیت فزاینده تعبیه برای ازدواج در ایالت متحده» انجام داده است.

^۱ Alnkhalil, Alqallaf & Alnaser

^۲ Cosentino

نتایج نشان داد که، با توجه به ظهور روابط بازاری سرمایه گذاری برای یک رابطه جدی در حال حاضر نیاز به اعتماد بیشتری نسبت به چهار دهه گذشته دارد. این پژوهش تئوری اعتماد و تعبیه در افزایش روابط را توضیح می دهد. یکی از مفاهیم این نظریه این بود که با توجه به افزایش اهمیت به اعتماد اثرات تعبیه بر شانس ازدواج باید انجام می شد.

- نتایج تحقیق کینگ^۱ (۲۰۰۴)، با عنوان «طلاق والدین و اعتماد بین فردی در فرزندان بالغ» نشان می دهد که اگرچه طلاق والدین به طور معکوسی با افزایش اعتماد مرتبط است، اما این اثرات تا حد زیادی با در نظر گرفتن کیفیت روابط قبلی والدین و نوجوان ناپدید می شوند. اعتماد به والدین، افراد صمیمی و دیگران به شدت با روابط مثبت والدین و نوجوانان بدون توجه به طلاق والدین در ارتباط است.

- رمپل، رث و هولمز^۲ (۲۰۰۱)، در تحقیقی با عنوان «اعتماد و اسناد ارتباطی در روابط نزدیک»، انجام داده اند. نتایج تحلیل های رگرسیون نشان می دهد که اظهارات اسنادی بیان شده در روابط با اعتماد بالا بر جنبه های مثبت رابطه تأکید می کند. زوج های با اعتماد کمتر در روابط زناشویی دچار مشکل شده ولی در مقابل، زوج های کم اعتماد، بیشتر پتانسیل افزایش تعارض را داشته اند.

در مجموع مطالعاتی که پیرامون اعتماد بین فردی و گرایش به طلاق و عوامل تاثیرگذار در گرایش به طلاق انجام شده است بیان کننده این است که اعتماد در روابط نقش مهم و به سزایی در کاهش گرایش به طلاق دارد. نکته افتراق مطالعه حاضر با پژوهش های پیشین در این نکته نهفته است که تاکنون طی پژوهش علمی به رابطه اعتماد بین فردی و گرایش به طلاق در بین زنان متأهل شهر قزوین آن هم با رویکرد جامعه شناختی پرداخته نشده است. لذا، تحقیق حاضر گامی هر چند کوچک در راستای جبران این غفلت مهم پژوهشی است.

^۱ King

^۲ Rempel, Ross & Holmez

مبانی نظری

در نظریه مثلث عشق، رابرت استرنبرگ^۱ جوانب مختلف عشق را با مثلثی که دارای سه مؤلفه تعهد، صمیمیت و شور و اشتیاق است، نشان می دهد. سه مؤلفه عشق به طرق گوناگون با هم ترکیب می شوند که براین اساس استرنبرگ هشت نوع رابطه را مشخص کرده است. یکی از انواع رابطه، عشق تهی است، که تنها شامل تعهد، و فاقد صمیمیت و شور و اشتیاق است. نوع دیگر نیز عشق ابلهانه است که شامل تعهد و شور و اشتیاق، و فاقد صمیمیت است. با در نظر گرفتن سه مؤلفه مثلث عشق استرنبرگ از آنجا که طلاق عاطفی رابطه ای فاقد صمیمیت است، می توان دو نوع رابطه تعریف شده توسط استرنبرگ، یعنی عشق تهی و عشق ابلهانه را طلاق عاطفی خواند (باقری چیمه، ۱۴۰۱: ۱۳). با توجه به نظریه نظم خرد چلبی نیز، اگر خانواده را اجتماعی کوچک و سطح خرد در نظر بگیریم، در صورت ایجاد مشکل در همفکری، همگامی، اعتماد، همدلی، و هم‌بختی مشترک بین همسران، در تعامل همسران اختلال ایجاد می شود که این اختلال به مراتب زمینه را برای گرایش به طلاق فراهم می سازد (باقری چیمه، ۱۴۰۱: ۱۵-۱۳).

اعتماد در روابط بین فردی از جمله مفاهیمی است که اغلب از سوی صاحب نظران در رابطه با عشق و تعهد به عنوان سنگ بنای یک رابطه ی ایده ال ذکر شده است. در ادامه به اندیشه های متفکران اجتماعی حوزه اعتماد پرداخته شده است. مک آلیستر اعتماد بین فردی را به عنوان حدودی تعریف می کند که یک فرد به دیگری اطمینان کرده و تمایل دارد تا بر مبنای این اطمینان عمل نماید و تصمیم گیری کند. به باور آلیستر زندگی زناشویی یک نوع مشارکت است و اولین و اساسی ترین شرط در آن اطمینان و اعتماد شرکاء نسبت به یکدیگر می باشد. به باور وی، مهارت های ارتباطی زوجین چنان که توأم با اعتماد باشد در تمامی جنبه های زندگی مشترک آنان از جمله عشق ورزی، همکاری در ایجاد فضای آرام بخش و صمیمی، همکاری در اداره امور و رضایت از روابط جنسی و حفظ و مراقبت از روابط با دوستان و

۱. Strenberg.R.

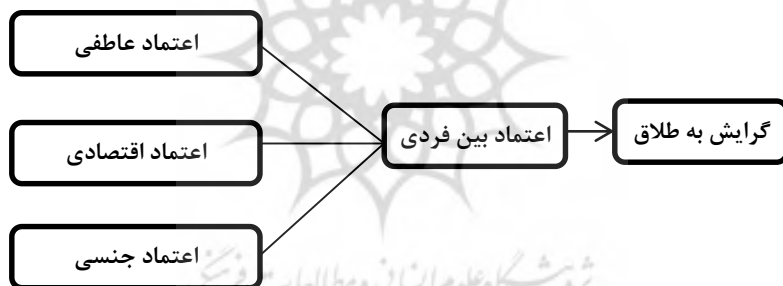
خانواده تأثیر شگرفی دارد. و این خود در ثبات و پایدار نهاد خانواده نقش به سزایی دارد (میرعالی و همکاران، ۱۳۹۵: ۳۱). پیوتر زتومکا با تأکید بر اصطلاح فرهنگ اعتماد، معتقد است، چنانچه اعتماد مورد نقص و تخطی قرار گیرد و اعتماد پیش‌بینی شده محقق نشود، در آن صورت، فرایند جامعه به سمت ایجاد فرهنگ بی‌اعتمادی حرکت می‌کند که در این راستا چه بسا حتی در سطح خرد، نهاد خانواده را متزلزل و دچار آسیب خواهد نمود (زتومکا، ۱۳۹۰: ۳۶).

آنتونی گیدنز اعتماد به اشخاص را زاییده ارتباط ناب می‌داند و در عین حال ارتباط ناب منوط به اعتماد متقابل است و اعتماد متقابل نیز به نوبه خود رابطه‌ای نزدیک با صمیمیت دارد (گیدنز، ۱۳۹۱). وی معتقد است رابطه‌های ناب قبل از هر چیز در قلمرو روابط زناشویی، رفاقت و دوستی‌های بسیار نزدیک پدید می‌آیند. احساس رضایت عاطفی، اهمیت نفس رابطه، باز بودن رابطه و تداوم آن، تعهد، صمیمیت و خودمانی بودن، اعتماد متقابل و استحکام هویت شخصی از خلال فرآیندهای خودکاوی و توسعه خودمانی‌گری از خصوصیات رابطه ناب می‌باشند. از آنجا که اعتماد تا بدین حد با خودمانی شدن مرتبط است، حفظ اصالت رابطه مورد نظر ایجاد می‌کند که همان توازنی که در روابط خودمانی بین خود مختاری و در یکدیگر حل شدن لازم است، در اینجا هم مراعات گردد. نکته مهم در ساختن و پرداختن اعتماد، در روابط آن است که هر کس باید شخصیت دیگری را به رسمیت بشناسد و قادر باشد به طور منظم بعضی پاسخ‌های مطلوب را از گفتار و رفتار او استنباط کند. به نظر گیدنز، اعتماد اجتماعی در واقع عاملی اساسی در احساس آرامش جسمانی و روانی و در نهایت امنیت اجتماعی آدر شرایط عادی زندگی روزمره و روابط زوجین است (شکرپیگی، ۱۳۸۹: ۱۶۲). همچنین، کاکس معتقد است اگر افراد به یکدیگر اعتماد داشته باشند روابط شان با خانواده، دوستان، همسایگان، همکاران، بیماران، مراقبان بهداشتی، هم‌گروهی‌ها و اجتماعات مختلف موثرتر می‌شود. در صورتی که، فقدان اعتماد با آسیب‌های اجتماعی از

جمله طلاق توام خواهد بود (شریفیان ثانی، ۱۳۸۰: ۱۵). نظریه سیستمی خانواده نیز مبتنی بر این امر است که ازدواج و طلاق در متن روابط خانوادگی قابل فهم است. درست همانگونه که وقتی یک زوج ازدواج می‌کنند، بیش از دو نفر ازدواج کرده‌اند، وقتی یک زوج طلاق می‌گیرند، بیش از دو نفر طلاق گرفته‌اند. رویکرد سیستمی خانواده، اختلال عملکرد را به عنوان بازتابی از فرایندهای خانواده تفسیر می‌کند. در واقع این رویکرد بر درک تعاملات بین زوجین و تأثیر متقابل این تعاملات بر روی عملکرد اعضای خانواده تأکید دارد. بنابراین طلاق می‌تواند نتیجه‌ی اختلال روابط در خانواده، ضعف اعتماد در زندگی زناشویی باشد (امیدوار، ۱۳۹۴: ۳۴).

مدل مفهومی پژوهش

با توجه به پیشینه تجربی و چارچوب نظری، مدل مفهومی پژوهش به شکل زیر قابل تدوین است:



شکل شماره (۱): مدل مفهومی پژوهش

فرضیه‌های تحقیق

- بین اعتماد بین فردی عاطفی و گرایش به طلاق در بین زنان متأهل شهر قزوین رابطه وجود دارد.
- بین اعتماد بین فردی اقتصادی و گرایش به طلاق در بین زنان متأهل شهر قزوین رابطه وجود دارد.

- بین اعتماد بین فردی جنسی و گرایش به طلاق در بین زنان متاهل شهر قزوین رابطه وجود دارد.

روش پژوهش

رویکرد مورد استفاده در تحقیق حاضر از نوع کمی می باشد. پژوهش حاضر بر اساس نحوه گردآوری داده ها، همبستگی است. تحقیق حاضر بر اساس هدف تحقیق، از نوع کاربردی بوده و از لحاظ میزان ژرفایی جز تحقیقات پهنانگر می باشد و با در نظر گرفتن معیار زمان مقطعی است. جامعه آماری مورد مطالعه این پژوهش کلیه زنان متاهل شهر قزوین در نظر گرفته شده اند که طبق سرشماری عموم و نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵، به تعداد ۳۵۵۴۴۸ نفر می باشند. تعداد نمونه آماری پژوهش نیز با استفاده از فرمول آماری کوکران ۴۰۰ نفر محاسبه گردید. روش نمونه گیری از نوع نمونه گیری طبقه ای تصادفی متناسب با حجم بوده است، بدین صورت که پس از برآورد حجم نمونه کل، نمونه اختصاصی برای هر کدام از مناطق شهرداری شهر قزوین (۴ منطقه) به تناسب جمعیتشان محاسبه و انتخاب گردید. در پژوهش حاضر برای سنجش کلیه متغیرها از پرسشنامه محقق ساخته استفاده شده است و گویه هایی در سطح سنجش رتبه ای و در قالب طیف لیکرت جهت گردآوری اطلاعات لازم تنظیم گردید. در این راستا، متغیر اعتماد بین فردی با سه مولفه اعتماد بین فردی عاطفی، اعتماد بین فردی اقتصادی و اعتماد بین فردی جنسی سنجیده شده است.

در این پژوهش اعتبار وسیله اندازه گیری از نوع صوری می باشد. بدین معنی که برای ارزیابی اعتبار وسیله اندازه گیری از نظر متخصصین و اهل فن استفاده شده است. برای برآورد پایایی پرسشنامه، از تکنیک الفای کرونباخ استفاده شده است. ضریب پایایی حاصل برای تمامی متغیرهای پژوهش بالای ۰/۷ بوده و لذا از نظر آماری مورد تایید است. نرم افزار تجزیه تحلیل داده ها نیز نرم افزار SPSS و Smart-PLS بوده است.

جدول شماره (۱): ضریب پایایی متغیرهای پژوهش

متغیر	مولفه	ضریب بدست آمده برای هر بعد	ضریب پایایی کل
اعتماد بین فردی	اعتماد عاطفی	۰/۸۹۱	۰/۸۷۳
	اعتماد اقتصادی	۰/۸۵۴	
	اعتماد جنسی	۰/۸۶۷	
گرایش به طلاق	-	-	۰/۸۹۸

یافته‌های توصیفی

براساس یافته‌ها، درآمد ماهیانه اکثریت خانواده‌های مورد مطالعه بین ۱۰ تا ۱۵ میلیون تومان (۴۲ درصد) و کمتر از ۱۰ میلیون تومان (۳۵/۵ درصد)، گزارش شده است. شغل اکثریت پاسخگویان یعنی ۲۵/۷۵ درصد خانه دار بوده است. اکثریت همسر پاسخگویان (۳۸/۲۵) شغل آزاد داشته‌اند. سطح تحصیلات اکثر پاسخگویان با لیسانس ۲۶/۲۵ درصد (۱۰۵ نفر)، بیشترین تعداد را شامل می‌شود. همچنین، اکثریت همسران پاسخگویان یعنی ۳۱ درصد معادل ۱۲۴ نفر دارای مدرک دیپلم بوده‌اند. میانگین سن پاسخگویان (۳۴/۶۵) برآورد شده است. اعتماد بین فردی با سه مولفه اعتماد عاطفی، اعتماد جنسی و اعتماد اقتصادی مورد سنجش قرار گرفته است. یافته‌ها نشان داد که میانگین حاصل برای اعتماد عاطفی با انحراف معیار ۱۲/۴۰، برابر با ۴۳/۱۶ است. میانگین به دست آمده برای اعتماد اقتصادی با انحراف معیار ۱۰/۲۸، برابر با ۲۷/۳۲ برآورد شده است. میانگین حاصل برای اعتماد جنسی با انحراف ۸/۳۹، برابر با ۲۵/۵۲ می‌باشد. میانگین اعتماد بین فردی نیز با انحراف معیار ۲۲/۱۷، برابر با ۷۴/۶۶ می‌باشد. همچنین، آماره‌های توصیفی نشان می‌دهد که میانگین متغیر گرایش به طلاق با انحراف معیار ۱۶/۳۳، برابر با ۳۸/۴۹ گزارش شده است (جدول شماره ۲).

جدول شماره (۲): آماره‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین	انحراف معیار	ماکزیمم	مینیمم	دامنه تغییرات
اعتماد عاطفی	۴۳/۱۶	۱۲/۴۰	۸۵	۱۷	۶۸
اعتماد اقتصادی	۲۷/۳۲	۱۰/۲۸	۴۰	۸	۳۲
اعتماد جنسی	۲۵/۵۲	۸/۳۹	۳۵	۷	۲۸
اعتماد بین فردی	۷۴/۶۶	۲۲/۱۷	۱۲۵	۲۵	۱۰۰
گرایش به طلاق	۳۸/۴۹	۱۶/۳۳	۷۵	۱۵	۶۰

یافته‌های استنباطی

برای سنجش همبستگی بین متغیرهای مستقل و گرایش به طلاق در بین زنان متاهل شهر قزوین از آزمون ضریب همبستگی r پیرسون استفاده شده است. نتایج نشان داد که باتوجه به سطح معناداری حاصل که برابر $0/000$ می باشد همبستگی بین دو متغیر اعتماد عاطفی و گرایش به طلاق در بین زنان متاهل به لحاظ آماری معنادار است و نوع رابطه نیز منفی است یعنی با افزایش اعتماد عاطفی نسبت به همسر، میزان گرایش به طلاق در بین زنان متاهل کاهش می یابد و برعکس. مطابق یافته ها، باتوجه به سطح معناداری حاصل ($0/000$)، و کمتر از $0/05$ است، همبستگی بین دو متغیر اعتماد جنسی و گرایش به طلاق در بین زنان متاهل شهر قزوین به لحاظ آماری معنادار است و نوع رابطه منفی و معکوس است یعنی با افزایش اعتماد جنسی نسبت به همسر، میزان گرایش به طلاق کاهش می یابد، عکس موضوع نیز مورد تایید است. همبستگی بین مولفه اعتماد اقتصادی نیز باتوجه سطح معناداری حاصل معنادار بوده است. همچنین، رابطه خطی بین این دو سازه اعتماد بین فردی و گرایش به طلاق، باتوجه به سطح معناداری به دست آمده ($0/000$)، با اطمینان ۹۹ درصد و در سطح خطای کوچکتر از $0/01$ به لحاظ آماری مورد تایید است. نوع رابطه نیز معکوس می باشد. به این معنا که با افزایش میزان اعتماد بین فردی نسبت به همسر، گرایش به طلاق در بین زنان مورد مطالعه رو به کاهش می گذارد و برعکس (جدول شماره ۳).

جدول شماره (۳): آزمون همبستگی بین متغیرهای مستقل و گرایش به طلاق

متغیر	گرایش به طلاق	
	ضریب همبستگی	سطح معناداری
اعتماد عاطفی	$0/643^{**}$	$0/000$
اعتماد جنسی	$0/633^{**}$	$0/000$
اعتماد اقتصادی	$0/612^{**}$	$0/000$
اعتماد بین فردی	$0/659^{**}$	$0/000$

** : معناداری در سطح $0/01$ * : معناداری در سطح $0/05$ بدون علامت: عدم معناداری

تحلیل رگرسیونی چندمتغیره

در پژوهش حاضر جهت برآورد میزان تاثیر هر یک از متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته گرایش به طلاق از تحلیل رگرسیونی چند متغیره استفاده شده است. یکی از پیش شرط های تحلیل رگرسیونی، خطی بودن رابطه بین متغیرهای مستقل و وابسته می باشد که مطابق یافته ها، این موضوع براساس معناداری آزمون تحلیل واریانس، مورد تایید واقع شده است و نشان از آن است که متغیرهای مستقل حاضر در مدل رگرسیونی می توانند تغییرات متغیر گرایش به طلاق را پیش بینی نمایند. استقلال خطاها نیز باتوجه به آماره میزان دوربین واتسون حاصل (۱/۸۰) محقق شده است. پیش فرض عدم هم خطی بین متغیرهای مستقل نیز، براساس مقادیر شاخص تولرانس^۱ و شاخص تورم واریانس^۲ به لحاظ آماری مورد تایید است. متغیرهای مستقل حاضر در مدل رگرسیونی، شامل اعتماد عاطفی، اعتماد جنسی، اعتماد اقتصادی، سن زن و سن شوهر، به ترتیب بیشترین تاثیر را بر متغیر گرایش به طلاق در بین زنان متأهل را داشته است. همچنین، تاثیر تمامی متغیرهای مذکور بر متغیر وابسته منفی بوده است. متغیرهای مستقل مدل رگرسیونی براساس ضریب تبیین تعدیل شده، توانسته اند ۴۴ درصد از تغییرات متغیر وابسته گرایش به طلاق را تبیین و پیش بینی نمایند (جدول شماره ۴).

جدول شماره (۴): نتایج تحلیل رگرسیونی چندمتغیره گرایش به طلاق

متغیر	ضریب بتا	کمیت t	سطح معناداری	بررسی هم خطی	
				تولرانس	شاخص تورم واریانس
اعتماد عاطفی	-۰/۶۱۴	-۱۶/۲۵	۰/۰۰۰	۰/۹۲۱	۱/۲۱
اعتماد جنسی	-۰/۵۹۸	-۱۶/۱۱	۰/۰۰۰	۰/۹۳۴	۱/۲۸
اعتماد اقتصادی	-۰/۵۵۹	-۱۵/۸۳	۰/۰۰۰	۰/۹۶۱	۱/۳۰
سن زن	-۰/۴۹۸	-۱۴/۳۶	۰/۰۰۰	۰/۹۷۵	۱/۲۲
سن همسر	-۰/۳۸۲	-۱۳/۶۲	۰/۰۰۰	۰/۹۴۹	۱/۱۹

^۱ Tolerance

^۲ Variance Inflation Factor

بررسی هم خطی		سطح معناداری	کمیت t	ضریب بتا	متغیر	
شاخص تورم واریانس	تولرانس				کمیت F	کل مدل رگرسیونی
ضریب تعیین و ضریب تعیین تعدیل شده			آمارهٔ دوربین-واتسون	سطح معناداری		
ضریب همبستگی = ۰/۶۷۶			۱/۸۰	۰/۰۰۰	۴۶/۷۴	
ضریب تعیین = ۰/۴۵۶						
ضریب تعیین تعدیل شده = ۰/۴۴۱						

مدل معادلات ساختاری

در تحقیق حاضر جهت برآورد اثرات مستقیم و غیر مستقیم متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته گرایش به طلاق از نرم افزار Smart-PLS، استفاده شده است. نتایج حاکی از آن است که مقادیر حاصل برای آماره متوسط واریانس استخراج شده (AVE) برای بررسی اعتباردرونی مدل، برای تمامی متغیرها بالای ۰/۴ بوده و به لحاظ آماری مورد تایید است. جهت آزمون برازش و کیفیت مدل اندازه گیری، از شاخص اشتراک با روایی متقاطع (CV Com)، استفاده شده است. مقادیر به دست آمده برای این شاخص، مثبت بوده و لذا، کیفیت مدل اندازه گیری مورد تایید است. جهت سنجش پایایی گویه‌های متغیرهای پنهان مدل اندازه گیری، از تکنیک آلفای کرونباخ و پایایی مرکب، استفاده شده است. ضرایب پایایی حاصل از آزمون آلفای کرونباخ و آزمون پایایی مرکب نشان داد که مقادیر به دست آمده برای تمامی متغیرهای پنهان، بالاتر از ۰/۷ بوده و نشان از پایایی مطلوب مدل اندازه گیری است. برای سنجش کیفیت مدل ساختاری از شاخص Q^2 استون-گیزر لر استفاده شده است، مقادیر Q^2 مثبت حاکی از این است که مدل توانایی پیش بینی دارد، در این پژوهش مقادیر به دست آمده برای این آماره مثبت بوده و در نتیجه مدل ساختاری کیفیت مناسبی دارد. مقادیر بالا برای آماره Redundancy نیز نشان دهنده برازش مطلوب بخش ساختاری مدل است که در این پژوهش، این مقدار ۰/۳۷۸ می باشد. همچنین، جهت سنجش برازش کلی مدل از شاخص نیکویی

برازش GOF^2 ، استفاده شده است، مقدار این آماره برای مدل برابر با ۰/۵۱۳ بوده و نشان از برازش مناسب کل مدل است (جدول شماره ۵).

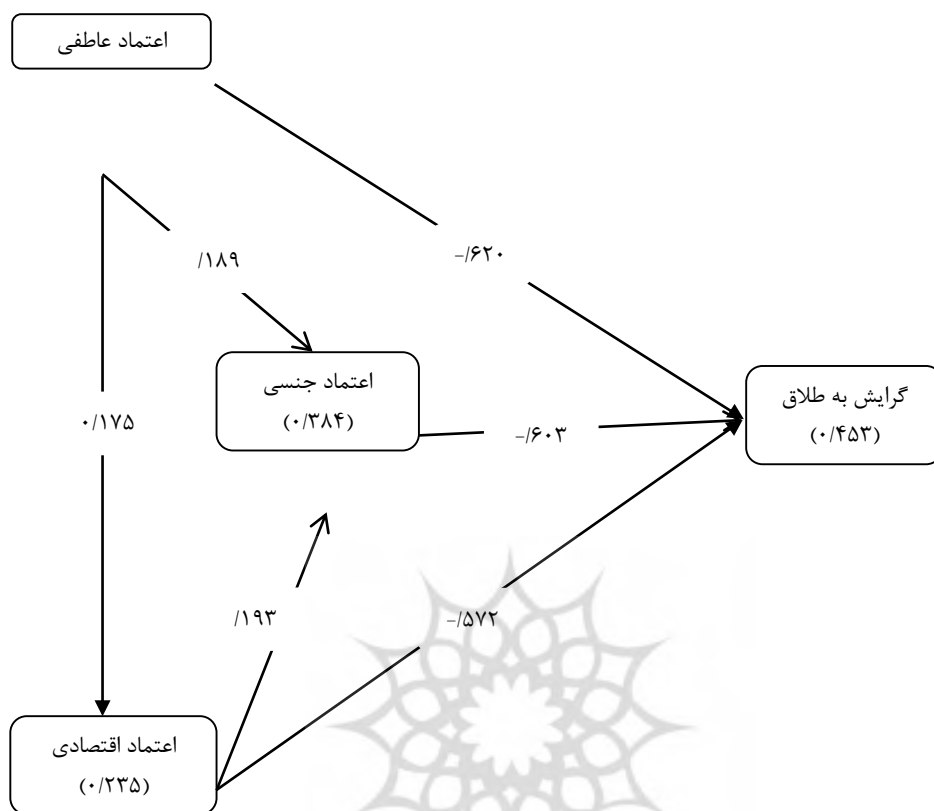
جدول شماره (۵): شاخص‌های برازش مدل اندازه‌گیری، ساختاری و کل مدل

متغیر	AVE	پایایی	پایایی ترکیبی	CV Com	Q^2	Redundancy	GOF
اعتماد عاطفی	۰/۶۲۹	۰/۷۸۲	۰/۸۶۵	۰/۵۱۴	۰/۴۹۲	۰/۳۷۱	۰/۵۱۳
اعتماد جنسی	۰/۶۴۱	۰/۷۸۹	۰/۸۸۳	۰/۵۴۳	۰/۴۷۳		
اعتماد اقتصادی	۰/۶۱۳	۰/۷۱۹	۰/۸۸۱	۰/۵۶۲	۰/۴۷۸		
گرایش به طلاق	۰/۵۹۸	۰/۷۵۰	۰/۸۹۳	۰/۴۸۹	۰/۴۸۶		

براساس نتایج مدل معادلات ساختاری، متغیر اعتماد جنسی تاثیر مستقیم و معناداری بر متغیر گرایش به طلاق در بین زنان متأهل داشته است. نوع تاثیر نیز منفی و معکوس بوده است. اثر مستقیم متغیر اعتماد اقتصادی بر متغیر وابسته گرایش به طلاق معنادار بوده است. اثر غیرمستقیم این متغیر از طریق اعتماد جنسی از نظر آماری معنادار می باشد؛ نوع تاثیر متغیر مذکور بر متغیر وابسته منفی و معکوس گزارش شده است. همچنین تاثیرات مستقیم و غیرمستقیم متغیر اعتماد عاطفی (از طریق متغیرهای اعتماد جنسی و اعتماد اقتصادی) بر متغیر گرایش به طلاق معنادار بوده و نوع اثرات یاد شده منفی است. در مجموع، متغیرهای حاضر در مدل معادلات ساختاری توانسته اند ۴۵/۳ درصد از تغییرات متغیر گرایش به طلاق را پیش‌بینی و تبیین نمایند (جدول شماره ۶ و نمودار شماره ۱).

جدول شماره (۶): اثرات متغیرهای مستقل بر متغیر گرایش به طلاق

سطح معناداری	ضریب مسیر	مسیرها
۰/۰۰۰	-۰/۶۰۳	اعتماد جنسی -> گرایش به طلاق
۰/۰۰۰	-۰/۵۷۲	اعتماد اقتصادی -> گرایش به طلاق
۰/۰۰۰	-۰/۶۲۰	اعتماد عاطفی -> گرایش به طلاق
۰/۰۰۰	-۰/۶۸۹	اعتماد اقتصادی -> اعتماد جنسی -> گرایش به طلاق
۰/۰۰۰	-۰/۸۵۴	اعتماد عاطفی -> اعتماد اقتصادی -> اعتماد جنسی -> گرایش به طلاق
اثرات تبیین شده = ۰/۴۵۳		



نمودار شماره (۱): مسیر تاثیرگذاری متغیرهای مستقل بر متغیر گرایش به طلاق

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی جامعه‌شناختی رابطه اعتماد بین فردی و گرایش به طلاق در بین زنان متأهل شهر قزوین انجام شده است. متفکران اجتماعی از زوایای مختلفی به رابطه بین اعتماد و آسیب‌های اجتماعی از جمله طلاق پرداخته‌اند. استرنبرگ در نظریه خود، عشق را با مثلثی دارای سه مولفه تعهد، صمیمیت و شور و اشتیاق می‌داند و نشان می‌دهد که با ترکیب آن‌ها هشت نوع رابطه را مشخص می‌کند و معتقد است که تمایل به طلاق رابطه‌ای است متشکل از عشق تهی و عشق ابلهانه که فاقد صمیمیت و اعتماد و تعهد است. مطابق نظریه نظم خرد تعلق عاطفی و معاشرت‌پذیری و اعتماد

بنیان روابط بین فردی از جمله روابط زناشویی است و وجود هرگونه اختلال در اعتماد بین زوجین به ویژه اعتماد عاطفی، زمینه‌ساز گرایش به طلاق خواهد بود. وایگرت معتقد است در رابطه‌ای که بر اعتماد استوار است مانند روابط زناشویی، ستون اصلی و استواری این روابط، اعتماد بین آنها است. در واقع، در این پیوند، هر یک به دیگری صادق است. در پیوند معقولی که بر پایه اعتماد عاطفی است طرفین به یکدیگر آزادی می‌دهند و روابط بین فردی بدین صورت تقویت می‌گردد. در پژوهش حاضر نیز معناداری رابطه بین اعتماد عاطفی و گرایش به طلاق می‌تواند همسو با محتوای نظری فوق و بخشی از نتایج پژوهش باقری چیمه (۱۴۰۱)، رضانی‌فر و همکاران (۱۴۰۰)، شغلی (۱۴۰۰)، کریمی و همکاران (۱۳۹۵)، میرعالی و همکاران (۱۳۹۵)، محمودی و همکاران (۱۳۹۳)، یلماز و همکاران (۲۰۲۳)، جوشی (۲۰۲۱)، ریجت و بوسکنز (۲۰۰۶)، باشد.

زئومکا بر این باور است که اجتماع اخلاقی بر احساس تعلق، مسئولیت و احساس وظیفه نسبت به دیگرانی که با آن‌ها ارزش‌ها، منافع مالی و اهداف مشترک دارند، مبتنی است. براساس نظر وی می‌توان اذعان نمود، چنانچه اعتماد بین فردی مورد نقص قرار گیرد در این صورت نهاد خانواده دچار آسیب شده و گرایش به طلاق در نتیجه ضعف و فقدان اعتماد بین فردی به ویژه از نوع مالی، امری اجتناب‌ناپذیر خواهد بود. در این پژوهش نیز معناداری رابطه بین اعتماد اقتصادی و گرایش به طلاق در بین زوجین همسو با محتوای نظری فوق و بخشی از نتایج پژوهش رضایی و همکاران (۱۴۰۲)، رضانی و همکاران (۱۴۰۰)، نوری (۱۴۰۰)، ریاحی و خیاطان (۱۳۹۷)، صداقت و اسدیان (۱۳۹۳)، ریجت و بوسکینز (۲۰۰۶)، رمپل و همکاران (۲۰۰۱)، است.

به باور گیدنز، اعتماد، برای ایجاد ارتباط زندگی روزمره و ظواهر عادی فرد اهمیتی اساسی دارد. در موقعیت‌های گوناگون زندگی روزانه و زناشویی اعتماد همچون ابزاری ظاهر می‌شود که رویدادها و مسائل اجتماعی از جمله طلاق را از صحنه می‌راند. گیدنز اظهار می‌دارد، آنچه دیگران به ظاهر انجام می‌دهند و هر کسی که به ظاهر هستند، بر اثر اعتماد، مورد پذیرش ما قرار می‌گیرد و ما

چنان رفتار می کنیم که گویی همان کسی هستند که می نمایانند. به بیان گیدنز پایداری رابطه ناب زوجین مبتنی بر اعتماد بین فردی و مولفه های فردی از جمله عاطفی و جنسی است. طبق نظر کاکس می توان اذعان نمود که وجود میزان مطلوبی از اعتماد بین فردی به ویژه اعتماد جنسی منجر به ارتباطات موثر بین زوجین خواهد شد و نبود آن به مراتب آسیب های اجتماعی از جمله گرایش و اقدام به طلاق را در پی خواهد داشت. باتوجه به مباحث فوق، می توان اذعان نمود که معناداری رابطه بین اعتماد جنسی و گرایش به طلاق در بین زنان متأهل، و تاثیر این متغیر در مدل رگرسیونی و مدل معادلات ساختاری بر متغیر وابسته، با محتوای نظریات طرح شده و بخشی از نتایج تحقیقات پیشین شامل باقری چیمه (۱۴۰۱)، شغلی (۱۴۰۰)، ریاحی و خیاطان (۱۳۹۷)، کریمی و همکاران (۱۳۹۵)، فریدونی (۱۳۹۵)، میرعالی و همکاران (۱۳۹۴)، محمودی و همکاران (۱۳۹۳)، یلماز و همکاران (۲۰۲۳)، جوشی (۲۰۲۱)، ریجت و بوسکنز (۲۰۰۶)، رمپل و همکاران (۲۰۰۱) همسو و منطبق می باشد و قابل کاربرد در جامعه آماری مورد مطالعه است. براساس نتایج نظری و تجربی حاصل، می توان پیشنهادات زیر را در راستای موضوع مورد مطالعه ارائه نمود: پیشنهاد می گردد که زوجین بنای روابط خود را نه بر پنهان کاری بلکه بر اعتماد متقابل بگذارند. همچنین، به زبان گیدنزی از آنجا رابطه ناب در دوره مدرن از ستون های استحکام و پایداری روابط زناشویی می باشد لذا زوجین جهت خلق و تداوم این نوع رابطه، ملزم به تعهد، به رسمیت شناختن حقوق، احترام متقابل و صمیمیت جنسی و عاطفی نسبت به یکدیگرند و پیش شرط و کلید تمامی موارد مذکور در درجه نخست اعتماد بین زوجین است لذا تقویت این نوع اعتماد در محیط خانواده بیش از پیش ضروری می نماید.

سپاسگزاری

مقاله حاضر برگرفته از طرح پژوهشی است که با حمایت مادی معاونت پژوهشی و فناوری دانشگاه بین المللی امام خمینی، قزوین انجام شده است. لذا، از حمایت های بی دریغ این معاونت تشکر و قدردانی می گردد.

منابع

احمدی، معصومه (۱۴۰۲). رابطه مثبت اندیشی و اعتماد در روابط بین فردی با انسجام و کیفیت زندگی زوجین، پایان نامه کارشناسی ارشد، موسسه آموزش عالی بیهق، گروه روانشناسی.

امیدوار، یاسر. (۱۳۹۴). مقایسه ویژگی های شخصیتی، اختلالات شخصیت، منبع کنترل زناشویی در زوجین عادی و متقاضی طلاق. پایان نامه کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی، دانشگاه ادبیات علوم انسانی خلیج فارس بوشهر، صص ۱۶۵-۱۴.

باقری چیمه، شادی (۱۴۰۱). پیش بینی گرایش به طلاق بر اساس اعتماد، دلزدگی زناشویی و تحمل پریشانی در زنان مراجعه کننده به دادگاه طلاق، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته مشاوره، دانشگاه پیام نور مرکز قزوین.

رضایی، غلامرضا؛ ابراهیمی، حمید و رشنودی، بهروز. (۱۴۰۲). تاثیر پیشگیری اجتماعی پلیس با رویکرد اسلامی- ایرانی بر پدیده طلاق. نشریه علمی انتظام اجتماعی، ۱۱(۱)، صص ۱۵۲-۱۲۵. قابل بازیابی از:

<http://sopra.jrl.police.ir/>

رضانی‌فر، حدیثه؛ کلدی، علیرضا و قدیمی، بهرام. (۱۴۰۰). مطالعه تاثیر ابعاد سرمایه اجتماعی بر طلاق عاطفی در بین زنان متأهل شهرستان تنکابن. دوفصلنامه پژوهش‌های انتظامی اجتماعی زنان و خانواده، ۹(۲)، صص ۴۶۵-۴۳۳. قابل بازیابی از:

<http://pssw.jrl.police.ir/>

ریاحی، مهشید و خیاطان، فلور. (۱۳۹۷). رابطه بین نگرش به والدین، اعتماد در روابط بین فردی و نگرش به ارتباط قبل از ازدواج با رغبت به ازدواج. مجله مطالعات زن و خانواده، ۶(۱)، ۹۲-۶۹. قابل بازیابی از:

jwfs.alzahra.ac.ir

شریفیان ثانی، مریم. (۱۳۸۰). سرمایه اجتماعی: مفاهیم اصلی و چارچوب نظری. فصلنامه رفاه اجتماعی، ۱۱(۲)، صص ۱۸-۵. قابل بازیابی از:

<https://refahj.uswr.ac.ir/>

زومکا، پیوتر. (۱۳۹۰)، اعتماد نظریه جامعه‌شناختی. ترجمه غلامرضا غفاری، تهران: نشر شیرازه.

شغلی، پریسا (۱۴۰۰). بررسی مقایسه‌ای طرحواره‌های ناسازگار اولیه، الگوهای ارتباطی و اعتماد در روابط بین فردی در زوجین متقاضی طلاق و زوجین عادی شهر تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته روانشناسی عمومی، دانشگاه البرز، دانشکده علوم انسانی.

شکریگی، عالیه. (۱۳۸۹). مدرن گرایی و سرمایه اجتماعی خانواده درآمدی بر جامعه‌شناسی خانواده در ایران. تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.

صداقت، کارمران و اسدیان، عقیل. (۱۳۹۳). تبیین جامعه‌شناختی عوامل اجتماعی مؤثر بر طلاق (مطالعه موردی: شهرستان قائم شهر)، مجله جامعه‌شناسی کاربردی، ۲۵(۲)، صص ۹۷-۱۱۶. قابل بازیابی از:

https://jas.ui.ac.ir/article_18366.html

طباطبایی‌نیا، سید هادی؛ کریمی افشار، عشرت و کامیابی، میترا. (۱۴۰۲). اثربخشی ذهن آگاهی مبتنی بر شناخت بر کیفیت زندگی و سلامت روان زنان در معرض طلاق مراجعه کننده به مراکز قضایی. دوفصلنامه پلیس زن، ۱۷(۳۸)، صص ۱۴۷-۱۲۵. قابل بازیابی از:

<http://ps.jrl.police.ir/>

فریدونی، فاطمه (۱۳۹۵). پیش بینی اعتماد در روابط بین فردی بر اساس جو عاطفی و تزلزل احساس در زوجین، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی.

کریمی، یوسف، الماسی، سکینه، محمدی، رزگار و فاضلی، حسن. (۱۳۹۵). مطالعه بسترهای طلاق در افراد مطلقه: پژوهشی پدیدارشناسانه. مجله مطالعات روانشناسی بالینی، ۷(۲۵)، صص ۲۱۱-۱۹۱. قابل بازیابی از:

https://jcps.atu.ac.ir/article_7138.html

گیدنز، آنتونی. (۱۳۹۱). تجدد و تشخیص: جامعه و هویت شخصی در عصر جدید. ترجمه ناصر موفقیان، تهران: نشر نی.

محمودی، ابراهیم، میرفردی، اصغر و مختاری، مریم. (۱۳۹۳). بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر میزان گرایش به طلاق در شهر یاسوج، مجله جامعه‌شناسی کاربردی، ۲۵(۱)، صص ۱۵۷-۱۴۱. قابل بازیابی از:

https://jas.ui.ac.ir/article_18337.html

میرساردو، طاهره و هاشمی، تبسم. (۱۳۹۳). اثرات اقتصادی - اجتماعی طولانی شدن فرایند طلاق. فصلنامه رفاه اجتماعی، ۱۵(۵۵)، ۱۰۵-۱۳۱. قابل بازیابی از:

<https://refahj.uswr.ac.ir/>

میرعالی، سید ابراهیم؛ میرهاشمی، زهرا و میرعالی، سیدنصیب. (۱۳۹۴). جایگاه اعتماد در روابط نزدیک بین فردی زوجین رضایتمند و دارای تعارض زناشویی. اولین کنگره ملی خانواده سالم، صص: ۲-۳.

میرعالی، سید ابراهیم؛ فلاح، چایی، سیدرضا و زارعی، اقبال. (۱۳۹۱). بررسی رابطه اعتماد و دلبستگی یا روابط نزدیک بین فردی زوجین شهر بندرعباس. پایان نامه کارشناسی ارشد رشته مشاوره خانواده.

نوری، طاهره. (۱۴۰۰). مطالعه کیفی شناسایی پیشایندهای مؤثر بر طلاق در خانواده های نظامی. نشریه علمی انتظام اجتماعی، ۱۳(۳)، صص ۲۲۶-۲۲۱. قابل بازیابی از:

<http://sopra.jrl.police.ir/>

Alnkhailan, K., Alqallaf, J., Alnaser, F. (2023). Trust in our spouse, the social media effect. Journal of the Faculty of Art, 73(14), 1-32. Retrieved from: DOI: 10.21608/bfalex.2023.320824

Cosentino, C. (2012). Trust in Relationships: A Study to Determine the Importance of Trus. Undergrduate thesis, Submitted in partial fulfillement of the requirement for obtaining, Department of Communication Studies alonge with the Honors College at Eastern Illinois University Charleston, Illinois.

Joshi, A. (2021). Does The Physical Distance Between Couples Increase Trust and Overall Satisfaction? The International Journal of Indian Psychology, 9(3), 1512-1503.

King, K. (2004) Parental Divorce and Interpersonal Trust in Adult Offspring.

Rempel, J. K., Ross, M., & Holmes, J. G. (2001). Trust and communicated attributions in close relationships. Journal of Personality and Social

Psychology, 81(1), 57–64. Retrieved from: <https://doi.org/10.1037/0022-3514.81.1.57>.

Rijt, A. V., Buskens, V. (2006). Trust in Intimate Relationships the Increased Importance of Embeddedness for Marriage in the United States, *Rationality and Society*, 18(2): 123–156. Retrieved from: [DOI:10.1177/1043463106063319](https://doi.org/10.1177/1043463106063319)

Sanford, L. B., Jenessa, R., Shapiro, R., Matthew, R. G. (20٠٦). Consequences of Divorce for Parents. To Appear In: *Handbook of Divorce and Relationship Dissolution*, Lawrence Erlbaum and associates, Co-Editors: Mark A. Fine & John H. Harvey. Psychology Press

Spring, J. A., Spring, M. (2022). *After the Affair: Healing the Pain and Rebuilding Trust When a Partner Has Been Unfaithful*. Compiled by Laura M. Brotherson, LMFT, CST – The Marital Intimacy Institute.

Yılmaz, CD., Lajunen, T. Sullman, M.J.M. (2023) Trust in relationships: a preliminary investigation of the influence of parental divorce, breakup experiences, adult attachment style, and close relationship beliefs on dyadic trust. *Frontiers in Psychology*, 14:1260480. Retrieved from: [Doi: 10.3389/fpsyg.2023.1260480](https://doi.org/10.3389/fpsyg.2023.1260480)

